

فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی
 دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت
 سال سوم - شماره ۴ - زمستان ۹۱
 صص ۱۶۱-۱۴۷

ارزیابی عملکرد و موانع فراروی شورای دانش آموزی جهت مشارکت‌دهی دانش آموزان در فعالیت های مدارس

دکتر رسول داودی^{۱*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۳

چکیده

یکی از روش‌های توانمندسازی مدارس، مشارکت‌دهی دانش‌آموزان در فعالیت‌های آن می‌باشد، تا از این راه بتوان زمینه لازم را برای نهادینه‌سازی تفکر مشارکتی فراهم نمود. بدین‌منظور در این مقاله عملکرد شورای دانش‌آموزی در مشارکت‌دهی دانش‌آموزان دوره متوسطه در فعالیت‌های مدارس شهر تهران و موانع فراروی آن بر اساس یک مطالعه پژوهشی مورد بررسی قرار گرفته است. روش پژوهش، به لحاظ هدف کاربردی و از نظر چگونگی گردآوری داده‌ها از نوع پژوهش‌های توصیفی-پیمایشی و همبستگی است. برای پاسخ به پرسش‌ها علاوه بر مطالعات نظری، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای نظرات ۱۲۲۵ نفر از دانش‌آموزان به عنوان نمونه آماری از راه پرسشنامه‌های محقق ساخته در دو زمینه مقدار و موانع مشارکت جمع‌آوری گردید. با تحلیل داده‌ها از راه آمار توصیفی و استنباطی یافته‌ها نشان داد علی‌رغم کوشش‌های شورای دانش‌آموزی جهت مشارکت دادن دانش‌آموزان در فعالیت‌های مدارس، به گونه کلی مقدار مشارکت در سطح پایین بوده و در این راستا سه مانع قانونی، انگیزشی و مدیریتی رابطه معنی‌داری با مقدار مشارکت دارند.

واژه‌های کلیدی: عملکرد شورای دانش‌آموزی، مشارکت، موانع مشارکت، فعالیت‌های مدارس

^۱ - دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، گروه علوم تربیتی و روانشناسی، زنجان، ایران

*- نویسنده مسئول: rasolrd@yahoo.com

مقدمه

مشارکت از مدت های طولانی با زندگی انسان ها پیوند داشته و در سراسر روزگار همواره با فرایند رشد و توسعه همراه بوده است. از نظر لی پرستون و جیمز پست^۱ انقلاب اول در مدیریت، سلسله مراتب سازمانی، انقلاب دوم جدایی مالکیت از مدیریت و انقلاب سوم مدیریت مشارکتی است که به عنوان مهمترین آنهاست (Nazari, 2002). به اعتقاد (Jung, 2010). «کشوری که برای رسیدن به اهدافش همه مردم را به مشارکت بگیرد قهرمان تاریخ جهان خواهد شد».

از نظر (Branch, 2002). تفکر و اندیشه مدیریت مشارکت جویانه به یکباره در ذهن علمای مدیریت و دیگر افراد ذیربط تکوین نیافته و بی درنگ به صورت اندیشه علمی در نیامده است، بلکه بحث کلی از چنین رویکردهایی به خاطر موانع ناشی از تسلط مدل های سازمانی بوروکراتیک و سلسله مراتبی و چالش های مدیریتی دوره تیلوریسم و کلاسیک به وجود آمد.

در نظام های آموزشی، راهبردهای متعددی جهت نهادینه سازی تفکر مشارکتی در دانش آموزان ارائه شده که از بین آنها علاوه بر مواردی چون؛ آموزش و توسعه دانش و آگاهی دانش آموزان درباره موضوع مشارکت (Fletcher, 2005). دانش آموز محور نمودن آموزش، بکارگیری الگوهای آموزشی مشارکت جو، انتخاب و سازماندهی محتوای آموزشی مشارکت ساز، حاکم نمودن روحیه تفکر علمی و پژوهشی در جوانان، آموزش مسئولیت پذیری، جایگزین نمودن استراتژی ارزیابی گروهی به جای ارزیابی فردی، می توان به راهبرد طراحی ساختارهای مشارکت زا در نظام آموزشی اشاره کرد (Soltani, 2002). زمانی که دانش آموزان استعداد، توان و تمایل به همکاری و مشارکت داشته، ولی ساختاری برای جهت دهی به سرمایه مشارکت وجود نداشته باشد بعد از مدتی انرژی و توان مشارکت پایین آمده و از بین می رود. بنابراین، لازم است ساختارهایی طراحی شود تا توانمندی های گوناگونی را در راستای اهداف سازمان قرار دهد. در این زمینه فعالیت های متعددی در نظام های آموزشی گوناگون جهان صورت گرفته و سازماندهی و استقرار شورای دانش آموزی در مدارس به عنوان یکی از مهمترین آنهاست.

در مدارس گوناگون جهان شورای دانش آموزی به عنوان یک فعالیت ویژه و فوق برنامه برای دانش آموزان می باشد. در حال حاضر این نهاد در اکثر نظام های آموزشی با عناوین متعددی وجود دارد. در مدارس دولتی و خصوصی ایالات متحده آمریکا، شورای دانش آموزی با عناوینی چون «دولت دانش آموزی»،^۲ «انجمن دانش آموزی»^۳ و «شورای فعال دانش آموزی»^۴ عنوان می شود. در

^۱ - Lee Perston & Jams Post

^۲ - Student Government

^۳ - Associated Student Body

^۴ - Student Activity Council

این کشور شوراهای دانش‌آموزی اغلب با فعالیت‌های خود، دانش‌آموزان را در یادگیری و تمرین دموکراسی و رهبری که در ابتدا به‌وسیله (John Dewey, 1916). در کتاب «دموکراسی و آموزش و پرورش»^۱ پیشنهاد شده بود، مشغول می‌نمایند.

در ایرلند شورای دانش‌آموزی معرف ساختاری می‌باشد که از راه آن دانش‌آموزان در امور مدارس به همراه هم‌ترازان، مدیران، کارکنان و والدین خود همکاری می‌کنند. این شورا به دانش‌آموزان کمک می‌کند، تا آنها در ایده‌ها و خواسته‌های خود با معلمان و مدیران مدارس سهیم گردند. هم‌چنین شورای مذکور جامعه محلی را به هنگام نیاز مساعدت و یاری می‌نماید. شورای دانش‌آموزی در این کشور به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا به عنوان عضوی فعال و مسئولیت‌پذیر اجتماع درآیند. از سال ۱۹۹۸ در ایرلند به توسعه شورای دانش‌آموزی در مدارس پس از دوره ابتدائی توجه خاصی شد. امروزه تقریباً ۶۰ درصد این مدارس دارای شورای دانش‌آموزی هستند. در سال ۲۰۰۱ در این کشور اتحادیه دانش‌آموزان دبیرستانی تشکیل گردید تا تلاش‌های شورا را سازماندهی و هماهنگ نماید. این اتحادیه ۱۳ درصد دانش‌آموزان دبیرستانی را در خود عضو نموده و تعداد آنها در حال افزایش است (Fletcher, 2005).

در مدارس انگلستان شورای دانش‌آموزی به‌وسیله هیاتی متشکل از دوازده دانش‌آموز انتخاب می‌شوند. این شورا پنج وظیفه بزرگ از قبیل؛ عضو رابط بین مدیریت و اعضای دانش‌آموزی، مسئول و متعهد به انگیزش روحیه نیکوکاری، فراهم کننده فضای معنوی در مدرسه، انجام فعالیت‌های فوق برنامه، و عامل سرفرازی و سربلندی مدرسه را بر عهده دارد (Preston & Colin, 2007).

در نروژ بر اساس قانون، همه مدارس ملزم به تاسیس اتحادیه دانش‌آموزی هستند که به وسیله دانش‌آموزان آن مدارس تشکیل می‌شوند. هدف اتحادیه دانش‌آموزی آن است که محیط مدرسه را همگام با وقایع اجتماعی، فرهنگی و فعالیت‌های فوق برنامه دیگر که در جامعه محلی اتفاق می‌افتد، بهبود بخشد. اتحادیه دانش‌آموزی در نروژ به‌وسیله گروهی از نمایندگان که به گونه مستقیم از شورای دانش‌آموزی انتخاب می‌شوند اداره می‌شود. بدین ترتیب همه اتحادیه‌های دانش‌آموزی دارای قدرت قانونی و نمایندگان آن دارای قدرت اجرایی هستند. اتحادیه‌ها تنها به عنوان مشاوره دهندگان مسئولین و مدیران مدارس می‌باشند.

در اکثر کشورها شوراهای دانش‌آموزی می‌توانند به انجمن‌های بزرگ‌تری نیز بپیوندند. مثلاً آنها در آمریکا به انجمن ملی شورای دانش‌آموزی، در کانادا به انجمن ناظران فعالیت‌های دانش‌آموزی و در انگلیس به شوراهای دانش‌آموزی انگلستان پیوند دارند (Fletcher, 2005).

¹ - Democracy & Education

در ایران نیز تحقق اهداف متعالی آموزش و پرورش و لزوم توجه به روحیات و ویژگی‌های نسل جوان، تفاوت‌های ناشی از شرایط جغرافیایی و محیطی، محدودیت منابع و امکانات، ایجاد می‌کرد که اداره امور مدارس مبتنی بر روش‌های غیرمتمرکز و مشارکت‌جویانه باشد تا بتواند فضای عمومی مدرسه را پویا، پر نشاط و فعال نموده و توانمندی‌ها و خلاقیت‌های مدیران، معلمان و دانش‌آموزان را به خوبی شکوفا و متجلی سازد. بدین‌جهت، آئین‌نامه اجرایی مدارس با توجه به سیاست‌ها و راهبردهای اساسی آموزش و پرورش از جمله؛ تمرکز زدائی، مدرسه محوری و مشارکت‌دهی دانش‌آموزان تغییر و بهبود یافت و با تفویض اختیارات لازم به مدارس، زمینه مناسب‌تری برای تحقق اهداف تعلیم و تربیت فراهم گردید. در این ارتباط و در راستای تحقق اصول ۲۴، ۳۰، ۳۷، ۵۸ و ۶۱ طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران (مربوط به مهارت‌های اجتماعی و سیاسی، تقویت روحیه مشارکت‌جویی و رشد مشارکت‌پذیری دانش‌آموزان) دست‌اندرکاران وزارت آموزش و پرورش با ارسال دستورالعمل تشکیل شورای دانش‌آموزی در بهمن ماه ۱۳۷۷، شورای دانش‌آموزی را در برخی از مدارس به صورت آزمایشی مستقر ساختند. شورای عالی آموزش و پرورش، در آئین‌نامه اجرایی مدارس، مصوب خرداد ماه ۱۳۷۸، جایگاه قانونی شورای دانش‌آموزی مدارس را تدوین نمود، به گونه‌ای که در فصل دوم این آئین‌نامه از شورای دانش‌آموزی مدارس، به عنوان یکی از ارکان پنجگانه نظام تصمیم‌گیری در مدرسه (مدیر، انجمن اولیا و مربیان، شورای مدرسه، شورای معلمان و شورای دانش‌آموزی) یاد شده است.

بر اساس آئین‌نامه اجرایی مدارس، مصوب شورای عالی آموزش و پرورش در خرداد ماه ۱۳۷۸ هر یک از شوراهای دانش‌آموزی متناسب با ابعاد فعالیت خود در مدارس می‌توانند نسبت به تشکیل کمیته‌های؛ فرهنگی و مذهبی، سیاسی و اجتماعی، ورزشی، علمی و آموزشی، اداری و مالی، تبلیغات و مراسم، انضباطی و انتظامی، تعاون، امداد و بهداشت اقدام نمایند و بر طبق دستورالعمل جدید معاونت پرورشی و تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۵) و به اقتضای مدارس، تعداد کمیته‌های شورای دانش‌آموزی به چهارده کمیته نیز یعنی شامل: قرآن و معارف اسلامی، نماز، تعاونی آموزشی، فعالیت‌های گروهی، علمی، آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و هنری، محیط‌زیست، صلح و دوستی، ورزشی و نشاط، بهداشت و مشاوره، سیاسی و اجتماعی، مواجهه با حوادث و بلایای طبیعی، پشتیبانی می‌تواند افزایش یابد. کمیته‌های مذکور بر اساس ماهیت فعالیت در یکی از سه دسته؛ امور آموزشی، پرورشی و انضباطی مدرسه طبقه بندی می‌شوند، به گونه‌ای که کمیته علمی- آموزشی در راستای فعالیت‌های مشارکتی آموزشی، کمیته انضباطی یا انتظامی در راستای فعالیت‌های مشارکتی انضباطی و سایر کمیته‌ها در راستای فعالیت‌های مشارکتی پرورشی قرار دارند.

در راستای موارد ذکر شده تصور بر این است که ساختارسازی در مدارس از راه تاسیس شوراهای دانش‌آموزی می‌تواند نقش مهمی را جهت جلب مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های مدارس ایفا نماید. زیرا که در مدارس متوسطه ساختار لازم برای مشارکت‌دهی دانش‌آموزان در امور مدارس فراهم گردیده است. با این حال مساله اساسی آن است که عملکرد شورای دانش‌آموزی در زمینه مشارکت‌دهی دانش‌آموزان چگونه است و موانع فراروی آن چیست؟ به گونه قطع بررسی این امر و شناسایی موانع مربوط می‌تواند برای نظام تصمیم‌گیری آموزش و پرورش کشور داده‌های مهمی را به دست دهد.

نگاهی به پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام شده در خصوص مشارکت دانش‌آموزان در مدارس نشان می‌دهد که در بسیاری از آنها از قبیل پژوهش‌های (Harwood, 1990)، (Grandy, 1993)، (Filipczak, 1993) و (Alderson, 2000). شوراها و انجمن‌های دانش‌آموزی از نقش بسزایی برای مشارکت‌دهی دانش‌آموزان در امور مدارس برخوردارند. یافته‌های (Heaty & Vik, 1994). حاکی از آن است که شوراها فرصت‌هایی در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهند که در حل مسائل، اشتراک نظر، تبادل آراء و اداره پروژه‌ها علاوه بر آموزش مهارت‌های رهبری، می‌توانند آن را عملی سازند. (Vornberg, 1990). نیز طی پژوهش خود نشان داد که فعالیت‌های فوق برنامه، هم‌چنان نقش مهمی در برنامه‌های مدارس ایفاء می‌نمایند. با این حال عمده‌ترین مشکلات مدارس در طراحی و ارائه برنامه‌های مذکور، مسائل مرتبط با تامین مالی، بی‌علاقه‌ای دانش‌آموزان، نظارت و اتلاف زمان تحصیلی دانش‌آموزان است. بنا بر یافته‌های این پژوهش مشارکت دانش‌آموزان در آینده به واسطه عواملی چون؛ مطالبات و نیازهای تحصیلی مدرسه‌ای، اهمیت شغلی برای دانش‌آموزان، مسائل مالی و مطالبات روز افزون معلمان از آنها رو به نزول و کاستی می‌گراید. در این راستا (Mc Neal, 1998). در یافته‌های خود موانع انگیزش اقتصادی را به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار در مشارکت دانش‌آموزان عنوان نموده است. بنا بر یافته‌های (Patmor, 1999) & McIntyre، علیرغم سطح بالای تمایل دانش‌آموزان برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مدارس، آنها حداقل مشارکت را در تصمیم‌گیری‌های مدارس خود داشته‌اند.

بر طبق یافته‌های (Hassan Beglo & Navid Adham, 1993). انجمن‌ها و کلوپ‌های فرهنگی و هنری موجب رشد و بالندگی، تقویت روحیه جمع‌گرایی، گرایش به فعالیت‌های گروهی، ایفای نقش مثبت و سازنده، غنی‌سازی اوقات فراغت، رشد مشارکت دانش‌آموزان در برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی شده است. (Rahimi, 1993). نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافته است که پایگاه اقتصادی، ناحیه آموزشی و نحوه اداره محیط آموزشی با مشارکت دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری دارد. هم‌چنین عواملی از قبیل وجود تبعیض در واگذاری مسئولیت-

ها، سخت گیری در محیط مدرسه، نبود فرصت اظهارنظر، عدم قدردانی و تشویق، عدم اعتماد به نفس، گوشه گیری، کمبود وقت و سنگینی دروس بر عدم مشارکت دانش آموزان در امور تاثیر دارد. در این راستا (Filipczak, 1993). نیز عضویت در شورای دانش آموزی را به عنوان مفیدترین فعالیت فوق برنامه بویژه برای دوره دبیرستان ذکر نموده‌اند. از طرفی امور تربیتی آموزش و پرورش بجنورد (۱۹۹۹) به نقل از (Sobhani nejad, 2003). طرح شوراهای دانش آموزی را مکانیسم مناسبی برای بهبود نظام آموزش و پرورش و ایجاد مسئولیت پذیری در دانش آموزان قلمداد کرده است. در این زمینه (Mohammadi & et al, 2000). افزایش اعتماد به نفس و خود باوری و (Chaychyan, 2000). تقویت روحیه مشارکت جویی، مسئولیت پذیری و افزایش اعتماد به نفس را از آثار و مزایای شورای دانش آموزی و شرکت دانش آموزان در فعالیت‌های مدارس عنوان نموده و بر ضرورت اجرای آن در مدارس تاکید نموده‌اند. همین‌طور بر اساس یافته‌های (Rokhbakhsh, 2000). به نقل از (Sobhani nejad, 2003). با مشارکت‌دهی دانش آموزان در شوراهای گوناگون مدرسه علاوه بر افزایش خلاقیت ذهنی آنان، می‌توان مهارت‌های آنها را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی و تعیین سرنوشت خود تقویت نمود.

بر خلاف پژوهش‌های فوق، (Mogannizadeh, 1996). در پژوهش خود دریافته است که عده کمی از دانش آموزان مشارکت کننده حرفه‌ای در فعالیت‌های فوق برنامه هستند و عده کثیری از آنها حتی مشارکت در یک فعالیت فوق برنامه را هم تجربه نکرده‌اند. به علاوه انتظار مسئولان مدارس از دانش آموزان برای مشارکت‌دهی بیش از مشارکت فکری است. در این راستا (Ghazaei, 1996). به نقل از (Sobhani nejad, 2003). به این نتیجه رسیده است که ۶۳ درصد دانش آموزان دختر پایه‌های سوم و چهارم دبیرستان‌های مناطق گوناگون شهر تهران علاقه به فعالیت و همکاری در انجمن‌های موجود را نداشته و تنها ۲۷ درصد علاقه به این نوع همکاری از خود نشان داده‌اند. هم‌چنین بنا بر یافته‌های (Hemmat, 2001). اکثر دانش آموزان پسر با اشاره به عدم کارایی شوراهای دانش آموزی در مدارس نقش آنها را در مشارکت‌دهی دانش آموزان در سطح پایین ارزیابی نموده‌اند. بر اساس یافته‌های (Sobhani Nejad & Imani, 2003). مقدار مشارکت دانش آموزان در کمیته سیاسی و اجتماعی شورای دانش آموزی در حد کم و در کمیته‌های علمی و آموزشی و تعاون، امداد و بهداشت در حد متوسط می‌باشد. هم‌چنین مشارکت دانش آموزان در کمیته‌های فرهنگی و مذهبی، ورزشی، اداری و مالی، تبلیغات و مراسم و انضباطی در حد زیاد بوده است.

پرسش‌های پژوهش

- ۱- تا چه مقدار شورای دانش‌آموزی، دانش‌آموزان را در فعالیتهای مدارس مشارکت داده است؟
- ۲- آیا تفاوت معنی‌داری در مشارکت دانش‌آموزان در فعالیتهای گوناگون وجود دارد؟
- ۳- موانع مرتبط با مشارکت دانش‌آموزان در فعالیتهای مدارس کدامند؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، به لحاظ هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی است، زیرا که هدف آن، کمک و کاربرد نتایج برای اتخاذ تصمیم‌های مربوط به نظام آموزشی است. از طرف دیگر این پژوهش از لحاظ گردآوری داده‌ها شامل دو نوع تحقیقات توصیفی- پیمایشی و توصیفی- همبستگی است، زیرا که پژوهشگر قصد دارد تا با جمع‌آوری داده‌ها در خصوص نقش شورای دانش‌آموزی در مشارکت‌دهی دانش‌آموزان وضعیت موجود را آن‌گونه که هست گزارش کرده و موانع مرتبط با مشارکت آنان در فعالیتهای مدارس را از راه تحلیل‌های همبستگی به دست آورد.

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان مدارس متوسطه شهر تهران در سال ۱۳۸۷ می‌باشند که مطابق با آمار ارائه شده از طرف معاونت پژوهش، برنامه‌ریزی و منابع انسانی سازمان آموزش و پرورش شهر تهران (۱۳۸۷) تعداد جامعه دانش‌آموزان در سال تحصیلی مذکور برابر با ۳۵۰۰۲۹ نفر می‌باشند. برای تعیین حجم نمونه آماری از جامعه فوق، تعداد اعضای نمونه با ملاک قرار دادن فرمول نمونه‌گیری
$$n = \frac{Nt^2S^2}{Nd^2 + t^2.S^2}$$
 به تعداد ۱۲۲۵ نفر بدست آمد. برای توزیع اعضای نمونه آماری، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به کار گرفته شد. بدین‌منظور در مرحله اول به صورت تصادفی از بین مناطق نوزده گانه آموزش و پرورش شهر تهران، مناطق ۳، ۶، ۹، ۱۳ و ۱۶ به ترتیب از نواحی شمال، مرکز، غرب، شرق و جنوب شهر مذکور انتخاب شدند. سپس سعی شد در نمونه‌هایی که از هر منطقه انتخاب می‌شوند مدارس گوناگون مدنظر قرار گیرند، طوری که با لحاظ برخی محدودیت‌ها جمعاً نظرات اعضای ۳۸ مدرسه مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت.

ابزار مورد نظر برای گردآوری داده‌ها پرسشنامه است. گویه‌های مربوط به مقدار مشارکت، با توجه به فعالیتهای دانش‌آموزان در کمیته‌های گوناگون شورای دانش‌آموزی مصوب وزارت آموزش و پرورش در ۸ زمینه و ۳۴ گویه (جدول ۱) و همچنین گویه‌های مربوط به موانع مشارکت با مطالعه ادبیات و مبانی نظری پژوهش در ۶ زمینه از قبیل؛ موانع فرهنگی- اجتماعی، مدیریتی، ساختاری، قانونی، انگیزشی و فردی و ۲۹ گویه تدوین شدند. پرسشنامه‌های طرح شده، با مقیاس لیکرت در

پنج طیف؛ خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد به ترتیب با نمره‌های (۱، ۲، ۳، ۴ و ۵) برای سنجش مقدار مشارکت و موانع آن مدنظر قرار گرفت. برای اطلاع از مقدار روایی^۱ صوری و محتوایی پرسشنامه‌ها، نظرات اصلاحی چند نفر از متخصصین امر و برخی اعضای جامعه آماری دخیل گردید. برای محاسبه پایایی^۲ نیز هر کدام از پرسشنامه‌های تدوین شده به گونه مقدماتی بر روی ۳۰ نفر از اعضای جامعه آماری اجرا، سپس داده‌های جمع‌آوری شده از راه نرم‌افزار SPSS تحلیل و مقدار ضریب همسانی درونی پرسش‌ها به وسیله آلفای کرونباخ محاسبه گردید. در این خصوص سعی شد تا ضرایب آلفای هر یک از مؤلفه‌ها به گونه مستقل و در نهایت ضریب آلفای کل پرسشنامه‌ها به دست آید. ضریب آلفای کل به دست آمده پرسشنامه مقدار مشارکت ۰/۹۲ و موانع مشارکت ۰/۹۴ بود که حاکی از پایایی مورد قبول آنها است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از شاخص‌های آمار توصیفی مواردی چون؛ فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی پیرسون و از شاخص‌های آمار استنباطی ضمن در نظر داشتن فرض‌های مربوط به آزمون‌های آماری پارامتریک شاخص‌هایی چون؛ تحلیل واریانس یک راهه و آزمون تعقیبی شفه برای تعیین تفاوت یا عدم تفاوت بین بیش از دو میانگین و هم-چنین برای بررسی معنی‌داری ارتباط هر یک از موانع با مقدار مشارکت از آزمون ضرایب همبستگی پیرسون استفاده گردیده است.

یافته‌ها

الف) بررسی عملکرد شورای دانش آموزی (سؤال اول و دوم پژوهش)

جدول (۱) مقدار مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های مدارس و تحلیل واریانس یک راهه جهت تعیین تفاوت

مشارکت در فعالیت‌ها

فعالیت‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	F	سطح معنی داری
ورزشی	۱۲۰۲	۲/۷۴	۱/۲۶	۴۴/۴۱۶	۰/۰۰۰
انضباطی	۱۲۰۹	۲/۶۹	۱/۱۸		
تعاون، امداد و بهداشت	۱۲۱۰	۲/۵۴	۱/۰۷		
اداری- مالی	۱۲۱۱	۲/۵۲	۱/۰۶		
مراسم و تبلیغات	۱۲۰۴	۲/۴۸	۱/۱۸		
علمی-آموزشی	۱۲۲۵	۲/۴۱	۰/۹۷		
فرهنگی- مذهبی	۱۲۱۰	۲/۳۵	۱/۰۵		
سیاسی-اجتماعی	۱۲۰۲	۲/۰۵	۱/۱۱		

^۱ - Validity

^۲ - Reliability

بر اساس داده‌های جدول بالا، عملکرد شورای دانش‌آموزی جهت مشارکت‌دهی دانش‌آموزان در فعالیت‌های ورزشی و انضباطی بر اساس سطوح لیکرت در سطح متوسط و در سایر فعالیت‌های مدارس در سطح پایین قرار دارد که ترتیب آنها در جدول مذکور قابل مشاهده است (سؤال ۱). هم-چنین طبق جدول فوق، مقدار F و سطح معنی‌داری به دست آمده از راه تحلیل واریانس یک راهه نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین مقدار مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های گوناگون مدارس وجود دارد (سؤال ۲). جهت تشخیص معنی‌داری تفاوت میانگین‌های فوق با همدیگر، سطح معنی‌داری حاصل از آزمون تعقیبی شفه در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول (۲) نتایج آزمون تعقیبی شفه جهت مقایسه دو به دو میانگین‌های مشارکت در فعالیت‌های گوناگون

مدارس

فعالیت‌ها	ورزشی	انضباطی	تعاون، امداد و بهداشت	اداری- مالی	مراسم و تبلیغات	علمی-آموزشی	فرهنگی- مذهبی	سیاسی-اجتماعی
ورزشی	-	-	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
انضباطی	-	-	-	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
تعاون، امداد و بهداشت	۰/۰۰۱	-	-	-	-	-	۰/۰۱	۰/۰۰۱
اداری- مالی	۰/۰۰۱	۰/۰۴	-	-	-	-	-	۰/۰۰۱
مراسم و تبلیغات	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	-	-	-	-	-	۰/۰۰۱
علمی-آموزشی	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	-	-	-	-	-	۰/۰۰۱
فرهنگی- مذهبی	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۱	-	-	-	-	۰/۰۰۱
سیاسی-اجتماعی	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱

نتایج توصیفی جدول (۲) به شرح زیر است:

جدول (۳) نتایج توصیفی آزمون تعقیبی شفه برای تعیین تفاوت میانگین‌های مشارکت در فعالیت‌های

گوناگون مدارس

نوع فعالیت	نتیجه
ورزشی	عملکرد شورا در این فعالیت از همه فعالیت‌ها (بجز انضباطی) به گونه معنی‌داری بالاتر است.
انضباطی	میانگین این فعالیت از میانگین همه فعالیت‌ها (بجز ورزشی و تعاون، امداد و بهداشت) به گونه معنی‌داری بالاتر است.
تعاون، امداد و بهداشت	میانگین این فعالیت از میانگین فعالیت‌های فرهنگی- مذهبی و سیاسی- اجتماعی به گونه معنی‌داری بیش‌تر و از فعالیت‌های ورزشی کمتر است. با این حال با میانگین سایر فعالیت‌ها تفاوت معنی‌داری ندارد.
اداری- مالی	میانگین‌های این سه فعالیت از میانگین فعالیت‌های سیاسی- اجتماعی به گونه معنی‌داری بیش‌تر و از فعالیت‌های ورزشی و انضباطی کمتر است. با این حال با میانگین سایر فعالیت‌ها تفاوت معنی‌داری ندارند.
مراسم و تبلیغات	
علمی-آموزشی	
فرهنگی- مذهبی	میانگین این فعالیت از میانگین فعالیت‌های سیاسی- اجتماعی به گونه معنی‌داری بیش‌تر و از فعالیت‌های ورزشی، انضباطی و تعاون، امداد و بهداشت کمتر است. با این حال با میانگین سایر فعالیت‌ها تفاوت معنی‌داری ندارد.
سیاسی-اجتماعی	میانگین این فعالیت از میانگین همه فعالیت‌ها به گونه معنی‌داری کمتر است.

(ب) بررسی موانع مرتبط با مشارکت دانش آموزان (سؤال سوم)
 جدول (۴) ضرایب همبستگی پیرسون بین موانع مشارکت و فعالیت های مشارکتی دانش آموزان در مدارس
 متوسطه شهر تهران

موانع فعالیت ها	فرهنگی- اجتماعی	مدیریتی	ساختاری	انگیزشی	فردی	قانونی	کل موانع
علمی-آموزشی	-۰/۰۴۵	-۰/۰۸۵**	-۰/۰۶۴*	-۰/۰۹۲**	-۰/۰۴۹	-۰/۱۰۴**	-۰/۰۷۹**
فرهنگی- مذهبی	-۰/۰۳۰	-۰/۰۶۲*	-۰/۰۲۹	-۰/۰۶۷*	-۰/۰۴۴	-۰/۰۷۴*	-۰/۰۵۸*
سیاسی- اجتماعی	-۰/۰۲۸	-۰/۰۶۲*	-۰/۰۶۸*	-۰/۰۹۷**	-۰/۰۷۳*	-۰/۱۱۸**	-۰/۰۷۶**
ورزشی	۰/۰۰۸	-۰/۰۰۳	-۰/۰۴۵	-۰/۰۱۲	-۰/۰۲۰	-۰/۰۲۸	۰/۰۰۰
اداری- مالی	-۰/۰۰۸	-۰/۰۱۴	-۰/۰۲۰	-۰/۰۳۷	-۰/۰۲۶	-۰/۰۶۰*	-۰/۰۲۳
مراسم و تبلیغات	-۰/۰۱۲	-۰/۰۵۰	-۰/۰۲۴	-۰/۰۵۵	-۰/۰۳۱	-۰/۰۷۶*	-۰/۰۳۹
تعاون، امداد و بهداشت	-۰/۰۰۴	-۰/۰۱۳	۰/۰۰۶	-۰/۰۱۶	-۰/۰۱۱	-۰/۰۳۳	-۰/۰۱۱
انضباطی	-۰/۰۱۹	-۰/۰۷۱*	-۰/۰۰۱	-۰/۰۶۰*	-۰/۰۲۹	-۰/۰۵۸	-۰/۰۴۲
کل فعالیت ها	-۰/۰۲۹	-۰/۰۶۴*	-۰/۰۲۹	-۰/۰۷۲*	-۰/۰۴۵	-۰/۰۸۹**	-۰/۰۵۸*

P < 0/01 (**)

P < 0/05 (*)

بر طبق جدول (۳) موانع متعددی فراروی مشارکت دانش آموزان در فعالیتهای مدارس قرار دارد، هر کدام از فعالیتها به نوعی تحت تاثیر برخی موانع می باشند، ولی به گونه کلی فعالیتهای علمی- آموزشی، فرهنگی- مذهبی و سیاسی- اجتماعی نسبت به سایر فعالیتها در معرض موانع بیشتری هستند. از طرفی، در بین موانع مشارکت، موانع قانونی، انگیزشی و مدیریتی از جمله موانعی هستند که در قیاس با سایر موانع نقش مهم و معنی داری را در خصوص فعالیتهای مشارکتی دانش آموزان بازی می کنند. یافته های جدول (۳) نشان می دهند که این موانع بیش تر مربوط به فعالیتهای علمی- آموزشی، فرهنگی- مذهبی و سیاسی- اجتماعی است.

بحث و نتیجه گیری

به گونه کلی، یافته های پژوهش نشان می دهند که شورای دانش آموزی پس از استقرار در مدارس متوسطه، کمیته ها یا فعالیتهای متعددی را بمنظور مشارکت دهی دانش آموزان فراهم نموده است، با این حال، مقدار مشارکت دانش آموزان در فعالیتهای مدارس در سطح پایینی قرار دارد. مشارکت آنها به ترتیب اولویت در فعالیتهای ورزشی، انضباطی، تعاون، امداد و بهداشت، اداری- مالی، مراسم و تبلیغات، علمی- آموزشی، فرهنگی- مذهبی و سیاسی- اجتماعی می باشد، که در بین فعالیتهای مذکور، فعالیتهای ورزشی و انضباطی نسبت به فعالیتهای دیگر از وزن مشارکت بیش تر و فعالیتهای علمی- آموزشی، فرهنگی- مذهبی و سیاسی- اجتماعی از وزن مشارکت کمتری برخوردارند. یافته های پژوهش درباره مقدار مشارکت با یافته های افرادی چون

(Mogannizade, 1996)، (ghazaei, 1996) و (Patmor & McIntyre, 1999)، مطابقت و همخوانی دارد، زیرا در یافته‌های آنها نیز مقدار مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های مدارس در سطح پائین و متوسط ارزیابی شده است. همچنین نتایج حاصل در این زمینه با یافته‌های (Sobhani Nejad & Imani, 2003). همخوانی نزدیکی دارد. به گونه‌ای که طبق یافته‌های آنها نیز، مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی کمتر و در فعالیت‌های ورزشی و انضباطی بیش‌تر بوده است. به نظر می‌رسد آن دسته از فعالیت‌هایی که در مدارس منجر به کسب نمره می‌شوند، دانش‌آموزان گرایش بیش‌تری را جهت مشارکت در آنها نشان می‌دهند. این امر می‌تواند برای دست‌اندرکاران نظام آموزش و پرورش به عنوان یکی از مکانیسم‌های مشارکت - دهی مد نظر قرار گیرد.

بر اساس تحلیل‌های همبستگی، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که رابطه معنی‌داری بین موانع و مقدار مشارکت دانش‌آموزان وجود دارد. بدین معنی که جهت مشارکت دهی دانش‌آموزان در انواع گوناگون فعالیت‌های مدارس موانع متعددی فراروی هر یک از آنهاست. در بین فعالیت‌های مذکور سه فعالیت علمی - آموزشی، فرهنگی - مذهبی و سیاسی - اجتماعی به گونه بیش‌تری در معرض این موانع قرار دارند.

یکی از موانع مهم تاثیرگذار بر روی فعالیت‌های مذکور مانع قانونی است. این مانع شامل عدم شفافیت آیین‌نامه‌های شورای دانش‌آموزی و عدم تطابق آنها با شرایط و موقعیت‌های مدارس می‌باشد. پیشنهاد می‌شود مسئولین و مدیران آموزش و پرورش با تعمیق و تدقیق بیش‌تر در این زمینه، اقدامات مؤثرتری را بمنظور شفاف‌سازی آیین‌نامه‌ها و انطباق آنها با شرایط موجود مدارس داشته باشند.

علاوه بر آن، عامل انگیزشی از دیگر موانعی است که در این زمینه از نقش معنی‌داری برخوردار است. این عامل شامل مواردی چون؛ کم بودن مزایا و منافع حاصل از مشارکت در مدرسه نسبت به سایر امور، نبود تشویق و پاداش فردی و گروهی در قبال انجام فعالیت‌های مشارکتی و بودجه ناکافی مدرسه برای انجام فعالیت‌های مدارس می‌باشد. در این راستا نتایج این پژوهش با پژوهش (Mc Neal, 1998). مطابقت دارد زیرا که او نیز در یافته‌های خود موانع انگیزشی اقتصادی را به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار در مشارکت دانش‌آموزان عنوان نموده است. همچنین مطابق با پژوهش (Vornberg, 1990). فعالیت‌های فوق برنامه، هم‌چنان نقش مهمی در برنامه‌های مدارس ایفاء می‌نمایند. با این حال، عمده‌ترین مشکلات مدارس در طراحی و ارائه برنامه‌های مذکور، مسائل مرتبط با تامین مالی، بی‌علاقه‌ای دانش‌آموزان، نظارت و اتلاف زمان تحصیلی دانش‌آموزان است. بر طبق این پژوهش مشارکت دانش‌آموزان در آینده به واسطه عواملی چون؛

مطالبات و نیازهای تحصیلی مدرسه‌ای، اهمیت شغلی برای دانش آموزان، مسائل مالی و مطالبات روز افزون معلمان از آنها، رو به نزول و کاستی می‌گراید. بنابراین، با توجه به تاثیر عامل انگیزشی در مشارکت‌دهی دانش‌آموزان پیشنهاد می‌شود با در نظر گرفتن موارد ذکر شده، ساز و کارهای لازم برای بهبود انگیزش اقتصادی در فعالیت های مدارس فراهم گردد.

بالاخره مانع تاثیرگذار دیگری که در این پژوهش دارای نقش معنی‌داری است عامل مدیریتی است. این عامل شامل مواردی چون؛ حضور کمرنگ مدیر یا نماینده آن در تصمیم‌گیری‌های مشارکتی مدرسه، بی‌اعتقادی مسئولین نسبت به پتانسیل های ذهنی و فعالیت های مشارکتی دانش آموزان، اعتقاد مسئولین مدرسه به هزینه بر بودن فعالیت‌های مشارکتی، عدم استفاده مدیر یا نماینده آن از نظرات دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری‌ها و عدم توجه مدیر یا نماینده آن به دستورالعمل‌های صادره در مورد چگونگی تشکیل شورای دانش‌آموزی است. در این زمینه نتایج این پژوهش با برخی از یافته‌های پژوهش (Rahimi, 1993). همخوانی دارد. زیرا ایشان نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافته که نحوه اداره محیط آموزشی با مشارکت دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری دارد. عواملی از قبیل وجود تبعیض در واگذاری مسئولیت‌ها، سخت‌گیری در محیط مدرسه، نبود فرصت اظهارنظر و عدم قدردانی و تشویق بر مشارکت دانش‌آموزان در امور مدارس تاثیر بسزایی دارد. به نظر می‌آید که مشارکت دانش‌آموزان در امور مدارس و فعال بودن شورای دانش‌آموزی هنوز از سوی مسئولین مدارس به عنوان یک ضرورت مهم مورد توجه واقع نشده است، لذا پیشنهاد می‌شود جهت رفع این مشکل مفهوم و اهمیت مشارکت و نهادینه سازی آن در دانش‌آموزان برای مدیران مدارس توجیه گردد.

به گونه کلی از یافته‌های فوق چنین بر می‌آید که دانش‌آموزان در سه فعالیت علمی-آموزشی، فرهنگی-مذهبی و سیاسی-اجتماعی کمتر مشارکت داشته اند. رابطه همبستگی این سه فعالیت با موانع قانونی، انگیزشی و مدیریتی نشان می‌دهد که این رابطه معکوس و هم‌چنین معنی‌دار است. به گونه‌ای که فعالیت‌هایی که مشارکت در آنها پایین است، شدت موانع مذکور در آنها بیش‌تر است. بنابراین، با توجه به ضرایب همبستگی به دست آمده می‌توان گفت که فعالیت‌های فوق تحت تاثیر موانع مذکور هستند.

اگر قصد ارتقاء کارآیی شورای دانش‌آموزی در بین باشد بایستی مسئولین امر اهتمام خاصی را جهت رفع موانع سه گانه یاد شده داشته باشند. لازم به ذکر است که ضرورت توجه به شورای دانش‌آموزی بر اساس پژوهش‌های گوناگون به تایید رسیده و نگرش مثبتی به فعال کردن شورای دانش‌آموزی در مدارس وجود دارد. به عنوان مثال پژوهش‌های (Harwood, 1990)، (Grandy, 1993)، (Filipczak, 1993) و (Alderson, 2000). نشان می‌دهند که شوراها و

انجمن های دانش آموزی از نقش بسزایی برای مشارکت‌دهی دانش‌آموزان در امور مدارس برخوردارند. یافته‌های (Heaty & Vik, 1994). حاکی از آن است که شوراهای فرصت‌هایی در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهند که در حل مسائل، اشتراک نظر، تبادل آراء و اداره پروژه‌ها علاوه بر آموزش مهارت‌های رهبری، می‌توانند آن را عملی سازند.

بنا بر یافته‌های (Hassan Beglo & Navid Adham, 1993). انجمن‌ها و کلوپ‌های فرهنگی و هنری موجب رشد و بالندگی، تقویت روحیه جمع‌گرایی، گرایش به فعالیت‌های گروهی، ایفای نقش مثبت و سازنده، غنی‌سازی اوقات فراغت، رشد مشارکت دانش‌آموزان در برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی می‌شود.

هم‌چنین (skandari & Ahmadi, 1998). عضویت در شورای دانش‌آموزی را به عنوان مفیدترین فعالیت فوق‌برنامه بویژه برای دوره دبیرستان ذکر نموده‌اند. از طرفی امور تربیتی آموزش و پرورش بجنورد (۱۹۹۹) به نقل از (Sobhani nejad, 2003). طرح شوراهای دانش‌آموزی را مکانیسم مناسبی برای بهبود نظام آموزش و پرورش و ایجاد مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان قلمداد کرده است. در این زمینه (Mohammadi & et al, 2000). افزایش اعتماد به نفس و خودباوری و (Chaychyan, 2000). تقویت روحیه مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری و افزایش اعتماد به نفس را از آثار و مزایای شورای دانش‌آموزی و شرکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های مدارس عنوان نموده و بر ضرورت اجرای آن در مدارس تاکید نموده‌اند. همین‌طور بر اساس یافته‌های (Rokhbakhsh, 2000). به نقل از (Sobhani nejad, 2003). با مشارکت‌دهی دانش‌آموزان در شوراهای گوناگون مدرسه علاوه بر افزایش خلاقیت ذهنی آنان، می‌توان مهارت‌های آنها را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی و تعیین سرنوشت خود تقویت نمود.

References

- Alderson, P. (2000). School Student Views on School Councils and Daily Life at School. *Children & Society*, V 14, n 2, P 121-34.
- Branch, Kristi M. (2002). *Participative Management and Employee and Stakeholder Involvement*, <http://www.au.af.mil/au/awc/awcgate/doe/benchmark/ch10.pdf>
- Chaychyan, N. (2000). *Considering How the Governing Student Council Plan and High Schools Climate in Tehran Province*, Tehran: Institute of Education. (in persian).
- Department of Physical Education and Ministry of Education. (2006). *Executive Instruction of Student Council in Primary, Guidance and High Schools*, Cultural Institute of Education Harbinger Publication.

Deputy of Research, Planning and Human Resources. (2008). *Overview Statistics of Educational and Agency Office in Organization of Education in Tehran*, Department of Planning for years 2007- 2008.

Filipczak, B. (1993). "Bridging the Gap between School and Work". *Journal of Training*, V 30, n 12m, p 44-47.

Fletcher, A. (2005). *Meaningful Student Involvement, Guide to Students as Partners in School Change*. www.soundout.org/MSGuid.pdf.

Grandy, J. (1993). *Participation in Religious Activities by College- Bound High School Seniors*. Evaluative Report, www.eric.ed. gov/ ericwebportal/recorddetail.ed386484-21k.

Hassan Beglo, M & Navid Adham, M. (1993). *Evaluation of Access and Welcome to the Cultural and Artistic Forums and Clubs in Guidance Schools*, Deputy Breeding of the Ministry of Education. (In Persian).

Harwood, A, M. (1990). The Effects of Close up Participation on High School Student Political Attitudes. *Paper Presented at the Annual Meeting of the American Educational Research Association* Boston, MA, April 16- 20.

Heaty, J.A& Vik, p. (1994). Elementary School Student Councils: A Statle Wide study. *Journal of Principal*, V 74, n 1, P 31-32,34.

Hemat, M. R. (2001). *Evaluate the Role of Student Council to Participating Students in Middle School Activities in Shahreza*, Department of Education and Research Council of Isfahan. (In Persian).

Kim, U Jung . (2010). *Every Street is Paved with Gol*, Translation by Armin Hedayati. Parseh Publication. (In Persian).

Mc Neal, R, B. (1998). High School Extracurricular Activities: Closed Structures and Stratifying Patterns of Participation. *Journal of Educational Research*, V 91, n 3, p 91-183.

Ministry of Education. (1999). *Executive Regulations of schools*, Council of Higher Education. Unpublished report.

Mogannizade, M. (1996). *Social Participation of Students in Extracurricular Activities with Emphasis on the Study of High School in Three and Sixteen Regions*, Unpublished Thesis, Graduate, Trbiat Modares University. (In Persian).

Mohammadi, D & et al. (2000). *Considering How the Governing Student Council Plan in Middle School*, Department of Physical Education and Ministry of Education. (In Persian).

Nazari, I. (2002). Preparation for Parent Participation in Education, Proceedings Abstracts of National Conference on Education Reform Engineering, Tehran: Institute of Education, pp. 241-242. (In Persian).

Patmor, G, L& McIntyre, D, J. (1999). *Involving Students in School Decision Making*. NASSP Bulletin, V83, n607, P74-78.

Preston, heard & Colin, Brien. (2007). *Landon Schools*, <http://www.Landon.net/home/content.asp>.

Rahimi, Azizullah. (1993). *The Effect of the Economic and Social Base and Educational Factors on Participation of High School Students Activities in Shiraz*, Unpublished Thesis, Graduate, University of Shiraz. (In Persian).

Skandari, H & Ahmadi, H. (1998). *Preliminary Study of Student Council Plan for Middle School*, Educational Development and Planning Office. (In Persian).

Sobhani Nejad, Mehdi, & Imani, Mohsen. (2003). Evaluate the Role of Student Council to Participating Students in Middle School Activities in Isfahan, *Amozeh Quarterly*, No. 23, p. 48-60. (In Persian).

Sobhani nejad, Mehdi. (2003). *Evaluate the Role of Student Council to Participating Students in Middle School Activities in Isfahan*, Department of Education and Research Council of Isfahan. (In Persian).

Soltani, I. (2002). The Role of Education in the Institutionalization of Participatory Thinking, *Journal of Management in Education*, Volume VIII, No. 29-30, pp. 44-54(In Persian).

Vornberg, J, A. (1990). "*Student Activities Program: their Status and the Impact of the Reform Movement*". Evaluate Report, Educational Testing Service, eric.ed.gov/ERICWebPortal/recordDetail?accno=ED331119-20k.